



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
شنبه ۹ آذر ۱۳۹۸ - ۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱
سال بیست‌ویکم - شماره ۵۸۰۴ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰ تومان

سر مقاله

روشنفکران قدرت پاشنه آشیل امنیت



عبدالله گنجی مدیر مسئول

بیانیه آن ۷۷ نفر در وسط اغتشاشات موجب تعجب بسیاری از معتقدان به انقلاب اسلامی شد و در نقد امضاکندگان آن از ادبیاتی مانند «خائن»، «ولایت»، «بدسابقه»، «خودفروخته»، «زمان‌شناس» و «دشمن‌شادکن» استفاده شد. در اینجا به نویسندگان و محتوای آن بیانیه ورود نمی‌کنم، بلکه آن را بهانه‌ای برای باز کردن درچه‌ای به سوی یکی از معضلات امروز ایران قرار می‌دهم که در ادامه به آن می‌پردازم. نگارنده مشکل را در روشنفکری می‌داند، روشنفکرانی که بین قدرت و روشنفکری رفت و برگشت دارند دچار تعارضاتی هستند که هم خود اذیت می‌شوند و هم حاکمیت را می‌آزارند. اما درباره چرایی آن نامه فقط یادآوری می‌کنم که حزب منجمله مشارکت در سندهای در پنج‌ساله خود که در پاییز ۱۳۸۷ نگاشته شد، عبارتی آورده است که راهبرد امضاکنندگان این بیانیه را قابل فهم می‌کند. در آنجا آورده‌اند که «هر جا حاکمیت در بحران‌های ملی گرفتار آمد باید به میدان بیاییم و مطالبات خود را طرح کنیم» و اتفاقاً همیشه این کار را در چنین بزنگاه‌هایی کرده‌اند. این در حالی است که در همه جهات در بحران‌های ملی اختلافات را کنار می‌گذارند و در کنار هم برای حل مسئله قرار می‌گیرند و اما بعد...

این مثال واقعی را بخوانید تا منظور نگارنده را تا آخرین جزیه بهتر متوجه شوید. میرحسین موسوی در یکی از برنامه‌های ضبط شده انتخاباتی ۱۳۸۸ که از سیما پخش می‌شد، اظهار داشت: «کسانی که در این کشور دشمن هستند به تعداد انگشتان دودست نیستند.» همانجا با تعجب گفتم کاش اینگونه بود و از خود پرسیدم مگر می‌شود کشوری که در آن انقلاب شده است و هزاران نفر از قدرت پایین کشیده شدند و منافع خود را از دست داده‌اند یا اعدام شده‌اند حداکثر ۱۰ نفر دشمن داشته باشند؟ این خوش‌بینی از کج‌انگشت می‌گیرد؟ باز از خود پرسیدم این حرف از زبان کسی صادر می‌شود که در دوران تجزیه‌طلبی و نفاق و حوادث و ترورهای سال ۱۳۶۰... بوده است و در تدابیر و تقلیل با آن نقش داشته است. حال چگونه به این باور رسیده است؟ یا اندکی تأمل و بررسی به این نتیجه رسیدم که حضور ۲۰ ساله موسوی در دانشگاه تربیت مدرس و تدریس در رشته علوم سیاسی وی را از یک عضو عالی‌قدرت در ایران به یک روشنفکر تبدیل کرده است که مصلحت و ملاحظات و حقایق و واقعیات قدرت را دیگر در کف نمی‌کند و تبدیل به یک روشنفکر شده است و خصایصی مانند خوش‌بینی مفرط به حوزه عمومی، مطلوب‌گرایی به جای واقعیت، نق‌نزی، آزادی‌خواهی و بدبینی به قدرت او را احاطه کرده است و چنین فردی اگر وارد قدرت می‌شد به یازده سیون علیه خود و نظام تبدیل می‌شد و اتفاقاً در پاسخ به سؤال خبرنگار نشر تایمز که «از پیروان انتخابات شوید برای اجرای دیدگاه‌های تان چه خواهید کرد؟» به عنوان پیروز، به تجمعات هفته‌های قبل اشاره کرده بود که بعد از پیروزی با هدف فشار بر رهبری به منظور عقب‌نشینی از آنها استفاده خواهد کرد. ممکن است دهها صفت بد و ویژگی زشت برای موسوی گفته شود اما نگارنده اساسی‌ترین مشکل موسوی را که همه را شو که کرد روشنفکری می‌دانم. این خصیصه بلا‌ی حکومت است و جمهوری اسلامی تمام‌مقدد با چنین پدیده‌ای درگیر است که روشنفکران میل به قدرت و قدرتمندان میل به قرار گرفتن ذیل تابووی روشنفکری دارند. این خصیصه در هیچ‌جای دیگر جهان نیست.

آن لیست ۷۷ نفره ناهمگون است و از چهره‌های بدنام تا خنثی را در خود دارد. طیف‌های فکری آن هم از حیث فکری - تاریخی ناهمگون هستند اما وجه مشترک همه‌شان روشنفکری یا درآوردن ادای روشنفکری است و حتی معاون فعلی علیه حاکمیتی که عضو آن است بیانیه صادر کند. برای دوری از انتزاع و درک عینی صحنه می‌توان درک روشنفکران از پدیده‌ها را این گونه توصیف کرد. روشنفکر در هر زمان‌عای، بر سر هر چیزی و هر پدیده‌ای که یک طرف آن حاکمیت است، حاکمیت را مقصر می‌داند و دیگر هیچ. روشنفکر اگر از بریان هوک بشنود که از ۱۸ ماه پیش ابزارهایی در اختیار کسانی در ایران قرار داده‌یم به راحتی از آن می‌گذرد چون انگار ذهنی او این است که فقط مشکل از حاکمیت ماست. اگر مدیر مؤسسه «رن‌پال» بگوید «آیت‌الله مایک» هم‌اکنون از طریق مجاهدین خلق (منافقین) و تجزیه‌طلبان در حال عملیات در ایران است برایش مهم نیست و سکوت می‌کند. چون مشکل فقط از حاکمیت است. اگر به او بگویند ۲۵ درصد دستگیر شدگان در شهر تهران گرایش‌های سلطنت‌طلبی دارند، می‌گوید دروغ می‌گویند. اینها مردم معترض به بنزین هستند که باید صدای‌شان را شنید.

بقیه در صفحه ۲

فرمانده کل سپاه:

پیشمرگ ملت هستیم

می‌خواستند در فتنه اخیر یک اعتراض را به یک شورش و فلجی مزمن تبدیل کنند اما همه تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها مچاله شد و سوخت و در مقابل درخشش تاریخی مردم ایران را دیدید. ایران امروز ایمن و سربلند در نقطه منحصربه‌فردی از تاریخ ایستاده و بسیج و تفکر آن که تفکر خدمت به مردم و نجات محرومان است، در رأس آن قرار دارد | صفحه ۲



از برجام آموختیم مقاومت بیشتر از همکاری جواب می‌دهد

عراقچی - و دوستان - اکنون پس از شش سال حضور در کلاس برجام از عبرت‌های آن می‌گویند: «یکی از درس‌های ما از برجام این است که ظاهراً نتیجه توافق و پایبندی به آن، تحریم‌های جدید بود.» او درس دیگری هم گرفته است: «درس دیگر که گرفتیم این بود که مقاومت بیش از همکاری جواب می‌دهد.»

البته مذاکره‌کنندگان هیچ‌گاه پاسخ نمی‌دهند که چرا اینقدر دیر درس کلاس اول را گرفته‌اند؟! با این حال عراقچی هنوز دوست دارد درس‌های بیشتری بگیرد تا درس‌ها را خوب بیاموزد: «فرصت حفظ برجام وجود دارد، اگر طرف دیگر به تعهداتش عمل کند، اروپا باید از خودگذشتگی بیشتری نشان دهد.»

برجام، غیرانتفاعی‌ترین مدرسه کشور است؛ هزینه‌اش را مردم می‌دهند، سودش را اداره‌کنندگان آن - اروپا و آمریکا - می‌برند، درش را عراقچی و دوستان می‌گیرند!

صفحه ۱۵

هوس حمله به منافع ایران در سوریه در پی اغتشاشات بنزینی

گفت و گوهای خصوصی افشا شده بین وزیر جنگ و مقامات نظامی رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که وی اغتشاشات در ایران را از زمان مناسبی برای حمله به منافع تهران در منطقه می‌داند. به گزارش فارس به نقل از نشریه عبری‌زبان «اسرائیل هیوم» نفتالی بنت، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی که بعد از تغییر سیاست‌های ارتش در قبال شهدای فلسطینی و گروه‌های مقاومت در غزه اکنون به دنبال افزایش حملات به سوریه و مقابله با تقویت ایران در این کشور است، معتقد است که اکنون زمان حمله به ایران در سوریه است و رژیم اسرائیل می‌تواند به صورت کامل مانع باز شدن جای پای ایران در سوریه شود. این نشریه با افشای گفت‌وگوهای بنت با مسئولان امنیتی ارشد رژیم صهیونیستی نوشت: «جمهوری اسلامی اکنون با مشکلات داخلی مانند بحران اقتصادی و اعتراضات مردمی طی چند هفته اخیر گرفتار و مشغول شده و بهترین زمان برای حمله به مواضع آن در سوریه است.» بر اساس این گزارش، وزیر جنگ اسرائیل اعتقاد دارد از این رژیم به ندرت

۶ کشور اروپایی به اینستکس می‌پیوندند

وزارت امور خارجه فنلاند در بیانیه‌ای از پیوستن این کشور و پنج کشور اروپایی دیگر شامل بلژیک، دانمارک، هلند، نروژ و سوئد به سازوکار مالی موسوم به اینستکس خبر داد. به گزارش تسنیم، وزارت امور خارجه فنلاند روز جمعه در بیانیه‌ای اعلام کرد این کشور به همراه پنج کشور اروپایی دیگر شامل بلژیک، دانمارک، ک، هلند، نروژ و سوئد در مسیر پیوستن به سازوکار مالی اروپایی برای تسهیل تجارت با ایران (اینستکس) قرار دارند. وزارت امور خارجه فنلاند در این بیانیه اظهار داشته است: «دولت‌های بلژیک، دانمارک، فنلاند، هلند، نروژ

واکنش افغان‌ها به سفر سرزده رئیس‌جمهور آمریکا

آقای ترامپ! افغانستان ایالت پنجاه و یکم امریکا نیست



بعداً منتشر خواهد شد. ذبیح‌الله مجاهد با این حال یک روز بعد گفت که طالبان آماده است پس از لغو مذاکرات از سوی ترامپ این مذاکرات را با آمریکا از سر بگیرد. وی در گفت‌وگو با رویترز تصریح کرد: اگر قرار است مذاکراتی انجام شود از جایی که متوقف شده ادامه خواهد داشت. ژنرال مارک میلی، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا به رویترز گفته او که در ۱۸ سال گذشته با افغانستان سروکار داشته، فکر می‌کند که امکان رسیدن به نتایج مثبت از طریق مذاکرات نسبت به هر وقت دیگر بیشتر است.

عکس‌های عصبانی‌کننده

سفر سرزده ترامپ به افغانستان و حضور اشرف غنی در بگرام با انتقادهای زیادی در داخل افغانستان روبه‌رو شده است. خبرگزاری صدای افغان در گزارشی با عنوان «آقای ترامپ، اینجا ایالت پنجاه و یکم نیست!» نوشته است: «سفر سرزده ترامپ به افغانستان، به معنای آن است که او به این کشور به عنوان ایالت پنجاه و یکم امریکا نگاه می‌کند تا کشوری مستقل که مردم دارد، دولت دارد، عضو سازمان ملل است و باید به شأن و جایگاه رسمی و مستقل آن احترام بگذارد.» رویداد شگفت‌انگیزتر اما این است که دستور ترامپ برای حضور اشرف غنی در بگرام به سرعت از سوی ارگ، مورد پذیرش قرار می‌گیرد و اشرف غنی و اسدالله خالده، شتاب زده به بگرام می‌روند تا با ترامپ، دیدار کنند.

عکس‌های معناداری که از این رویداد، منتشر شده، واکنش‌های منفی مردم در شبکه‌های اجتماعی را برانگیخته است. نیویورک تایمز از قول جان دیر، دستیار

مطبوعاتی دونالد ترامپ نوشته که به اشرف غنی فقط چند ساعت پیش از آمدن ترامپ خبر داده شد و او پذیرفت که با رئیس‌جمهوری ایالات متحده در پایگاه هوایی بگرام دیدار کند. یک کاربر توییتری با اشاره به رفتن اشرف غنی به بگرام و حضور او در میان سربازان امریکایی نوشته است: «ترامپ از اشرف غنی با لحن دمسوزانه و ترعبر‌انگیز می‌پرسد: «می‌خواهی اینجا بمانی یا که خوش داری بروی؟». اشرف غنی مثل یک پتیم‌بچه خجالتی جوابش گنگ است. ترامپ او را نوازش داده در جمع سربازان امریکایی می‌گوید زنده باد غیرت افغانی! پاینده باد استقلال افغانستان!»

■ **عبدالله: خواب ۲۰۱۴ را بینید**

پنج‌شنبه شب ترامپ به بگرام رفت و از جمعه صبح تیم انتخاباتی ثبات و همگرایی به رهبری عبدالله عبدالله در اعتراضات و ترحم‌انگیز به حمایت کمیسوین انتخابات از تیم مشخص می‌داند، تظاهراتی را راناداری کرده‌اند و البته عصر دیروز به اتمام رسید. ستاد انتخاباتی عبدالله ذی‌دخل به خواسته‌های این تیم پاسخ ندهد، از تمام گزینه‌های مشروع، صلح‌آمیز و مردمی برای به کرسی نشاندن رأی و اراده واقعی مردم کار خواهد گرفت. برخی منابع افغان می‌گویند که رفتن اشرف غنی به بگرام برای جلب حمایت ترامپ از او در جریان مناقشه انتخاباتی بر سر انتخابات افغانستان است. خبرگزاری صدای افغان نوشت: «شاید هدف آقای غنی از دیدار با ترامپ در پایگاه نظامی آن کشور در بگرام، جلب حمایت او در جنجال جاری انتخاباتی باشد اما او این حمایت را به چه بهایی می‌خواهد؟ به بهای نقض استقلال و لگدمال کردن حاکمیت ملی کشور؟» عبدالله عبدالله، رئیس اجرایی حکومت وحدت ملی دیروز هشدار داد که کمیسوین انتخابات به دستور یک تیم انتخاباتی عمل می‌کند که ظاهراً منظور او تیم دولت است. او گفته که کمیسوین انتخابات استقلال‌شان زیر سؤال رفته و اکنون کسی نباید خواب سال ۲۰۱۴ را ببیند. او گفته است: «بر زندگی مردم حاکم شدند؛ آنان به این فکر نباشند که ۲۰۱۴ بار دیگر تکرار می‌شود.»

